

متن پرسش

سلام علیکم: در رابطه با کتاب ده نکته اینطور برداشت کردم که مثلا نفس برای ظهور قوه شنوایی نیاز به موطنی به نام گوش دارد تا در گوش به جلوه شنوایی ظهور کند. ولی شما در مقدمه شرحتان در مورد این بحث کردید که اینکه بگیم آب ها هست غلطه بلکه هست ها به شکل آب در آمده است. سوالی که برام پیش اومده اینه که این حرفتان مثل اینست که بگوییم گوش شنوا نیست بلکه شنوایی به شکل گوش درآمده! شنوایی به شکل گوش درآمده یعنی چه؟ اینکه غلطه. معنای این جمله این میشه که شنوایی گوش است یا به عبارتی گوش یعنی شنوایی! تمام بحثم اینه که ماده و مجرد دو تا مقوله جدای از هم هستن نه اینکه مجرد به شکل ماده درآمده و یک مقوله باشند!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! قوه شنوایی یکی از قوای نفس است و در عضوی به نام گوش، نفس ناطقه در هویت شنوایی اش ظهور می کند و به همین جهت می گوئید من شنیدم. موفق باشید